

بر بالین تربت یحیی پیغامبر(ع) معتکف بودم در جامع دمشق که یکی از ملوک عرب که به بی انصافی منسوب بود اتفاقاً به زیارت آمد و نماز و دعا کرد و حاجت خواست
درویش و غنی بنده این خاک درند
و آنان که غنی ترند محتاج ترند

آن گه مرا گفت از آن جا که همت درویشانست خاطری همراه من کن که از دشمنی صعب اندیشناکم، گفتمش بر رعیت ضعیف رحمت کن تا از دشمن قوی زحمت نبینی.

به بازوان توانا و قوت سر دست خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست

نترسد آن که بر افتادگان نبخشاید که گر ز پای در آید کسش نگیرد دست
هر آن که تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت دماغ بیهده پخت و خیال باطل بست

ز گوش پنبه برون آر و داد خلق بده و گر تو می ندهی داد روز دادی هست

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی سعدی شیرازی

۱- منظور از متن بالا چیست؟

۲- آرایه های که در ابیات بالا وجود دارد را (به صورت مرتب) مشخص نمایید.

۳- معنای کلمات پر رنگ شده را بنویسید.

۴- چند فعل مرکب در متن بالا وجود دارد؟ مشخص کنید.

۵- درباره نویسنده متن چه اطلاعاتی دارید؟ (سه خط بنویسید)

۶- نقش کلماتی که خط زیر آن کشیده شده است را بنویسید.

روزی مردی از بازار عطرفروشان می‌گذشت، ناگهان بر زمین افتاد و بیهوش شد. مردم دور او جمع شدند و هر کسی چیزی می‌گفت، همه برای درمان او تلاش می‌کردند. یکی نیض او را می‌گرفت، یکی دستش را می‌مالید، یکی کاه گلِ تر جلو بینی او می‌گرفت، یکی لباس او را در می‌آورد تا حالش بهتر شود. دیگری گلاب بر صورت آن مرد بیهوش می‌پاشید و یکی دیگر عود و عنبر می‌سوزاند. اما این درمانها هیچ سودی نداشت. مردم همچنان جمع بودند. هر کسی چیزی می‌گفت. حال مرد بدتر و بدتر می‌شد و تا ظهر او بیهوش افتاده بود. همه درمانده بودند. تا اینکه خانواده‌اش باخبر شدند، آن مرد برادر دانا و زیرکی داشت او فهمید که چرا برادرش در بازار عطاران بیهوش شده است، با خود گفت: من درد او را می‌دانم، برادرم دباغ است و کارش پاک کردن پوست حیوانات از مدفوع و کثافات است. او به بوی بد عادت کرده و لایه‌های مغزش پر از بوی سرگین و مدفوع است. کمی سرگین بدبوی سگ برداشت و در آستینش پنهان کرد و با عجله به بازار آمد. مردم را کنار زد، و کنار برادرش نشست و سرش را کنار گوش او آورد به گونه‌ای که می‌خواهد رازی با برادرش بگوید. و با زیرکی طوری که مردم نبینند آن مدفوع بد بوی را جلو بینی برادر گرفت. زیرا داروی مغز بدبوی او همین بود. چند لحظه گذشت و مرد دباغ به هوش آمد. مردم تعجب کردند و گفتند این مرد جادوگر است. در گوش این مریض افسونی خواند و او را درمان کرد.

۱- منظور از متن بالا چیست؟

۲- چند کلمه جمع در متن وجود دارد آن را مشخص کنید

۳- ضمیرهایی که در متن بالا وجود دارند را مشخص کنید

۴- معنی کلماتی که پررنگ شده است را مشخص کنید

۵- نقش کلماتی که زیر آن خط کشیده شده است را بنویسید.

۶- در این متن چند فعل متعدی وجود دارد آن‌ها را مشخص کنید

بسمه تعالی

گفت دانایی برای داستان	که درختی هست در هندوستان
هر کسی <u>کز میوه‌ی او خورد و برد</u>	نی شود او پیر نی هرگز بمرد
پادشاهی این شنید از صادقی	بر درخت و میوه‌اش شد عاشقی
قاصدی <u>دانا</u> ز دیوان ادب	سوی هندوستان روان کرد از طلب
<u>سالها</u> می‌گشت آن قاصد ازو	گرد هندوستان برای جست و جو
هر که را پرسید کردش ریشخند	کین کی جوید جز مگر مجنون بند
قاصد شه بسته در جستن کمر	می‌شنید از هر کسی نوعی خبر
بس سیاحت کرد آنجا سالها	می‌فرستادش <u>شهنشه</u> مالها
هیچ از مقصود اثر پیدا نشد	زان غرض غیر خبر پیدا نشد
رشته‌ ^۱ امید او بگسسته شد	جسته‌ی او عاقبت ناجسته شد
کرد عزم بازگشتن سوی شاه	<u>اشک</u> می‌بارید و می‌برید راه

مثنوی معنوی/مولوی

۱- منظور از ابیات بالا چیست؟

۲- قالب شعری ابیات بالا چیست؟

۳- در مورد کتابی که شعر زیر از آن انتخاب شده است چند سطر توضیح دهید

۴- کلمات مخفف در متن بالا را بنویسید

۵- در کدام بیت قافیه ای دیده می شود که نقش مفعول دارد

۶- هر یک از ابیات بالا دارای چند جمله می باشند؟

۷- در ابیات بالا چند تشبیه وجود دارد؟

۸- نقش کلماتی که زیر آن خط کشیده شده است را بنویسید

۹- نوع رای که در این ابیات آمده است را مشخص کنید.

سیر، یک روز **طعنه** زد به پیاز که تو **مسکین** چقدر بد بوئی

گفت، از عیب خویش بی خبری زان ره از خلق، **عیب** میجوئی

گفتن از زشتروئی دگران نشود **باعث نکوروئی**

تو گمان میکنی که شاخ گلی بصف سرو و لاله میروئی

یا که همبوی مشک تاتاری یا ز **ازهار** (شکوفه ها) باغ مینوئی

فویشتن، بی سبب بزرگ مکن تو هم از ساکنان این کوئی

ره ما، گر **کج** است و **ناهموار** تو خود، این ره چگونه **میپوئی**

در خود، آن به که نیکتر **نگری** اول، آن به که عیب خود گوئی

ما زبونیم و شوخ جامه و پست تو **پرا** شوخ تن نمیشوئی پروین اعتصامی

۱- منظور از ابیات بالا چیست؟

۲- ضرب المثلی شبیه با مضمون ابیات بالا بنویسید

۳- این ابیات در چه قالبی سروده شده است؟

۴- نقش کلماتی که زیر آن خط کشیده شده است را بنویسید

۵- معنی کلماتی که پررنگ شده است را بنویسید

۶- جنس کلماتی که فونت آن با بقیه فرق می کند را مشخص کنید

۶- در متن چند کلمه وجود دارد آنها را مشخص کنید

در مورد شاعر این ابیات چه اطلاعاتی دارید آن را بنویسید. (دو خط)

۷- متنی شبیه به ابیات بالا در پشت برگه بنویسید



آزموده	اسرار	بزاز	انجب	تیمار کردن
چیرگی	حکما	سحاب	قیامت تاثیر	ولایت

۲- آیات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید؟

الف) شب شفته است مناجات علی جوشش چشمه ی عشق ازلی

ب) عمر گران مایه در این صرف شد تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا

ج) ای شکم خیره به نانی بساز تا نکنی پشت به خدمت دو تا

د) آن یکی کش صد هزار آثار خاست کمترین آثار او، عمر بقاست

۳- پنج کنایه از کتاب فارسی ششم بنویسید.

۴- نقش کلمات (دستور زبان فارسی) را در جملات زیر مشخص نمایید. (نهاد، فعل، فاعل، مسند و)

الف) ما که این اطفال دبستانیم همه از خاک پاک ایرانیم

ب) اندکی پس از آن دهخدا بیهوش شد و روز بعد به دیدار پروردگارش شتافت

۵- با توجه به شعر راز زندگی، گل و غنچه نماد چه انسان هایی هستند؟

۶- پنج رویداد مهم درس پیاده و سوار را بنویسید

۷- فهم خود را از ضرب المثل (تو نیکی می کن و در دجله انداز) را بنویسید

۸- منظور عطار از اینکه گفت: (همه ی ما جز اندکی نمی دانیم) چیست؟

۹- برای کلمات زیر دو هم خانواده بنویسید

الف) معرفت	ب) مطالبه	ج) مشورت
------------	-----------	----------

۱۰- جمع مکسر کلمات زیر را بنویسید

غذا	نتیجه	مقدار	مبحث	فاضل
-----	-------	-------	------	------

۱۱- متن زیر را تا سه سطر ادامه دهید.

هر قدر بیشتر بالا می روی، پایین افتادنت هم شدیدتر خواهد بود، بنابراین فراموش نکن که هنگام بالا رفتن، از محکم بودن جای پایت مطمئن شوی....

موفق باشید، داوودی نسب

بسمه تعالی

ارزشیابی ادبیات ششم

نام و نام خانوادگی :



۱- معنی واژه های زیر را بنویسید				
تمام عقلی	مشفق	تدبیر	قوی رایبی	تفته
حجره	ازلی	ملال	هجر	ثواب
۲- ابیات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید؟				
الف) فجر تاسینه ی آفاق شکافت		چشم بیدار علی خفته نیافت		
ب) تو به صورت رفته ای، ای بی خبر		زان، ز شاخ معنی ای، بی بار و بر		
ج) ای نام تو روئیده به گلدان لبم		در مرحمت تو غوطه ور، روز و شبم		
د) به نزد آن که جانش در تجلی است		همه عالم کتاب حق تعالی است		
۳- برای کلمات زیر دو هم خانواده بنویسید				
الف) حصر	ب) نصیر	ج) طاهر		
۴- در مقابل نام هر یک از اشخاص زیر، نام یک اثر از آنها را بنویسید				
الف) خواجه نصیر الدین توسی		ب) محمد حسین بهجت تبریزی		
ج) مهدی اذر یزدی		د) امام محمد غزالی		
۵- نقش کلمات (دستور زبان فارسی) را در جملات زیر مشخص نمایید. (نهاد، گزاره، فعل، فاعل، مسند و)				
الف) ناگهان از کنار جاده، خرگوشی بیرون دوید و پا به فرار گذاشت و رفت صد قدم دورتر نشست.				
ب) سپس سوار، اسب را برگردانید و آرام آرام برگشت.				

۶- در مورد شیوه مناظره، به همراه مثال توضیح دهید

۷- در سه سطر دهخدا را معرفی کنید؟

۸- در کلمه های زیر (کلمه های مترادف، متضاد و هم خانواده) را پیدا کنید و در سطهای جداگانه بنویسید

نطق، رشادت، راستگویی، مصمم، دشوار، آسان، کوتاه، بارزاده، صواب، نیک، ابداع، خطا، اختراع، خطا، اختراع، شکست، صداقت، ظفر، ظلم، بلند، ستم، جفا، رشید، کامل، معارف، تکامل، ناطق، اصرار، ابرام، پریشانی، معرفت

۹- ضرب المثل تا پول داری، قربان بند کیفیتم را در یک بند توضیح دهید.

۱۰- بیت ششم شعر شیر خدا را بنویسید.

۱۱- کدام یک از آرایه های ادبی مختص نثر می باشد؟

موفق باشید، داوودی نسب